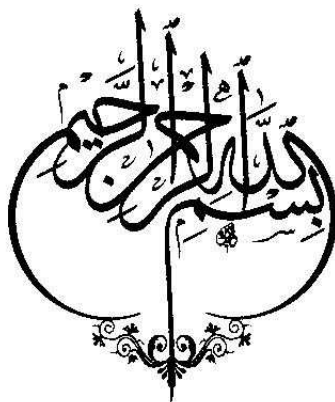


۲۲۹۱۵۱



راهکارهای توسعه و تکمیل زنجیره ارزش صنعت نساجی و پوشاک در ایران

سرشناسه

: شفيعی، افسانه، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پديدآور

: راهکارهای توسعه و تکميل زنجيره ارزش صنعت نساجی و پوشاک در ايران

افسانه شفيعی، مجيد جليلی، فاطمه خارکش؛ مشاور محمدرضا سعادت؛

همکاران فائزه هدايت نظری، فرزانه صمديان، نسرین قبادی.

مشخصات نشر

: تهران: سبزان: اتاق بازرگانی، صنايع، معادن و کشاورزی ايران، مرکز پژوهش‌ها، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهري

: ۲۰۰ ص.: جدول، نمودار.

: ۲-۶۲۷-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸ شابک

وضعيت فهرست نویسی: فیا

يادداشت: کتابنامه.

موضوع

: نساجی -- ايران Textile industry -- Iran

موضوع

: نساجی -- بازاریابی موضوع Textile industry -- Marketing -- Iran

موضوع

: پوشاک -- صنعت و تجارت --Clothing trade

موضوع

: زنجيره ارزش -- مدیریت Value chain -- Management

موضوع

: پوشاک -- صنعت و تجارت Clothing trade

شناسه افزوده

: خارکش، فاطمه، -- جليلی، مجيد، -- سعادت، محمدرضا،

شناسه افزوده

: هدايت نظری، فائزه، -- صمديان، فرزانه، -- قبادی، نسرین،

شناسه افزوده

: اتاق بازرگانی، صنايع، معادن و کشاورزی ايران. مرکز پژوهش‌ها

رده بندی کنگره

: TS۱۴۰۷

رده بندی ديویی

: ۶۷۷/۰۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی

: ۸۴۵۶۲۰۹



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ايران
مرکز پژوهش‌ها



انتشارات سبزان

نام کتاب: راهکارهای توسعه و تکميل زنجيره ارزش صنعت نساجی و پوشاک ايران

نویسندگان: افسانه شفيعی، مجيد جليلی، فاطمه خارکش

مشاور: محمدرضا سعادت

همکاران: فائزه هدايت نظری، فرزانه صمديان و نسرین قبادی

ناظر: سجاد نجفی

صفحه آرایي و طرح جلد: محمدحسن چيدری

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، تابستان ۱۴۰۰

ناشر: انتشارات سبزان

چاپ و صحافی: کامیاب

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۲-۶۲۷-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

۱۳	پیشگفتار
۱۵	فصل اول: تحلیل وضعیت زنجیره ارزش صنعت نساجی و پوشاک به تفکیک
۱۵	۱-۱. تعریف زنجیره ارزش
۱۷	۱-۲. الگوهای تحلیل زنجیره ارزش و ارتباط آن با زنجیره تامین
۱۷	۱-۲-۱. «زنجیره ارزش» به عنوان جزئی از «زنجیره تامین»
۲۰	۱-۲-۲. «زنجیره ارزش» به عنوان مفهوم معادل «زنجیره تامین»
۲۳	۱-۲-۳. «زنجیره ارزش» به عنوان مفهوم وسیع تر از «زنجیره تامین»: منحنی های ارزش
۲۵	۱-۳. ارتقا (توسعه و تکمیل) زنجیره ارزش
۲۷	۱-۴. کاربرد الگوهای زنجیره ارزش در صنایع نساجی و پوشاک
۲۸	۱-۴-۱. تفاوت های ماهوی زنجیره ارزش نساجی و پوشاک
۲۸	۱-۴-۲. الگوی ترکیبی زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک
۳۰	۱-۵. جمع بندی
۳۲	۱-۶. فهرست منابع
۳۳	فصل دوم: مطالعه تجربه کشورها در حوزه صنعت نساجی و پوشاک
۳۳	۲-۱. وضعیت جهانی صنعت نساجی و پوشاک به لحاظ تولید و مصرف
۳۳	۲-۱-۱. الگوی جابجایی کانون های تولید و مصرف صنایع نساجی و پوشاک در جهان
۳۶	۲-۱-۲. مزیت های رقابتی کشورهای پیشرو در صنعت نساجی و پوشاک
۳۷	۲-۲. بررسی تجربه کشورها در تعمیق زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک
۳۷	۲-۲-۱. تجربه کشور چین در صنعت نساجی و پوشاک
۳۹	۲-۲-۱-۱. حمایت های اعمال شده در طول زنجیره ارزش
۴۱	۲-۲-۱-۲. مقررات تنظیمی اعمال شده
۴۲	۲-۲-۱-۳. درس های تجربه کشور چین در صنعت نساجی و پوشاک
۴۳	۲-۲-۲. تجربه کشور هنگ کنگ در صنعت نساجی و پوشاک
۴۴	۲-۲-۲-۱. حمایت های اعمال شده در طول زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک هنگ کنگ
۴۵	۲-۲-۲-۲. مقررات تنظیمی اعمال شده

فهرست مطالب

۴۶	۲-۲-۲-۳. درس‌های تجربه کشور هنگ کنگ در صنعت نساجی و پوشاک
۴۶	۲-۲-۳. تجربه کشور ترکیه در صنعت نساجی و پوشاک
۴۸	۲-۲-۳-۱. حمایت‌های اعمال شده در طول زنجیره ارزش
۴۹	۲-۲-۳-۲. مقررات تنظیمی اعمال شده
۵۰	۲-۲-۳-۳. درس‌های تجربه کشور ترکیه در صنعت نساجی و پوشاک
۵۱	۲-۲-۴. تجربه کشور اندونزی در صنعت نساجی و پوشاک
۵۲	۲-۲-۴-۱. حمایت‌های اعمال شده در طول زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک اندونزی
۵۴	۲-۲-۴-۲. درس‌های تجربه کشور اندونزی در صنعت نساجی و پوشاک
۵۴	۲-۲-۵. درس‌های کاربردی از تجربیات کشورهای منتخب در توسعه صنایع نساجی و پوشاک
۵۶	۲-۳. منابع و مآخذ
۵۹	فصل سوم: تشریح وضعیت صنعت نساجی و پوشاک
۶۰	۳-۱. تاریخچه صنعت نساجی و پوشاک در ایران و جایگاه زنجیره ارزش در آن
۶۰	۳-۱-۱. دوره صفویه (۱۱۱۴-۸۸۰): زنجیره ارزش در حالت تعادل
۶۱	۳-۱-۲. سقوط صفوی تا زمان شکل‌گیری قاجار (۱۱۷۴-۱۱۰۴): بروز شرایط جدیدی در کل زنجیره ارزش
۶۱	۳-۱-۳. دوره قاجار (۱۳۰۴-۱۱۷۴): تضعیف زنجیره ارزش در هر دو بخش ابتدا و انتهای زنجیره ارزش
۶۴	۳-۱-۴. دوره قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۰۵): تقویت زنجیره ارزش در هر دو بخش ابتدا و انتهای زنجیره
۶۷	۳-۱-۵. دوره پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تاکنون): تضعیف زنجیره ارزش در هر دو بخش ابتدا و انتهای زنجیره
۷۳	۳-۲. وضعیت حاکم بر صنعت نساجی و پوشاک در ایران از دریچه آماری
۷۳	۳-۲-۱. وضعیت کلان حاکم بر صنعت نساجی و پوشاک
۸۰	۳-۲-۲. بررسی وضعیت عملکرد در صنعت نساجی و پوشاک برحسب اجزای زیرگروه
۸۱	۳-۲-۲-۱. الگوی توزیع بنگاهی
۸۲	۳-۲-۲-۲. درجه وابستگی به عوامل طبیعی
۸۳	۳-۲-۲-۳. درجه وابستگی به عوامل انسانی
۸۵	۳-۲-۲-۴. شاخص‌های مالی: ارزش افزوده، نسبت خدمات غیرصنعتی به داده‌های صنعتی

فهرست مطالب

۸۷	۳-۲-۲-۵. هزینه خدمات
۸۹	۳-۲-۲-۶. شاخص های سرمایه‌بری، تولید و فروش
۹۱	۳-۲-۲-۷. شاخص های ارزی
۹۳	۳-۳. جمع‌بندی
۹۸	۳-۴. فهرست منابع
۹۹	پیوست فصل ۳: بانک اطلاعات شاخص‌های عملکردی در صنایع نساجی و پوشاک: سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۰
۹۹	الف-۱. شاخص‌های عملکردی، بخش نساجی سال ۱۳۹۰
۱۰۲	الف-۲. شاخص‌های عملکردی بخش نساجی سال ۱۳۹۶
۱۰۵	الف-۳. شاخص‌های عملکردی بخش پوشاک سال ۱۳۹۰
۱۰۷	الف-۴. شاخص‌های عملکردی بخش پوشاک سال ۱۳۹۶
۱۰۹	فصل چهارم: قوانین و مقررات حاکم بر صنعت نساجی و پوشاک
۱۱۰	۴-۱. حمایت‌های قابل کاربرد در زنجیره ارزش صنایع نساجی و پوشاک
۱۲۰	۴-۲. مقررات تنظیمی اعمال شده
۱۲۵	۴-۳. خلاصه نتایج بررسی‌های قانونی و جمع‌بندی از نقاط خلأ موجود
۱۲۵	۴-۳-۱. خلاصه نتایج
۱۲۸	۴-۳-۲. جمع‌بندی از نقاط خلأ موجود
۱۲۹	۴-۴. فهرست قوانین مورد استناد
۱۳۷	فصل پنجم: آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنعت نساجی و پوشاک
۱۳۸	۵-۱. بررسی وضعیت حاکم بر صنعت نساجی و پوشاک
۱۳۸	۵-۱-۱. شرایط تدارک نهاده‌ها
۱۳۸	۵-۱-۱-۱. الیاف
۱۴۵	۵-۱-۱-۲. نیروی انسانی
۱۴۵	۵-۱-۱-۳. انرژی
۱۴۶	۵-۱-۱-۴. ماشین‌آلات و تجهیزات
۱۴۷	۵-۱-۲. تقاضا

پیشگفتار

صنایع نساجی و پوشاک در زمره قدیمی ترین، بزرگترین و فراگیرترین صنایع در جهان به شمار می‌روند. نگاهی به شاخص‌های عملکردی این صنایع در جهان گویای قابلیت‌های بالای آن در تامین اهداف اشتغال‌زایی و ارزآوری صادراتی است. با این توصیف، به خوبی می‌توان صنایع نساجی و پوشاک را به عنوان یکی از صنایع راهبردی در مسیر تحول صنعتی کشورهای در حال توسعه قلمداد کرد. نمود عینی این مساله را نیز می‌توان در شواهد تجربی برآمده از سهم بالای صنایع نساجی و پوشاک در مسیر گذار صنعتی کشورهای مختلف جهان به ویژه در سطوح پایین‌تر درآمدی مانند ویتنام، هندوستان و اندونزی ردیابی کرد.

در ایران صنایع نساجی و پوشاک ضمن برخورداری از ظرفیت‌های بالقوه متعدد همچون ظرفیت‌های کنونی پتروشیمی (الیاف مصنوعی) و دسترسی به بازار بزرگ داخلی، همواره مورد تاکید سیاست‌گذاران نیز قرار داشته است و بدین‌روى انتظار می‌رفته است تا از توان رقابت‌پذیری بالایی در هر دو بازار داخلی و خارجی برخوردار باشد. با اینحال در عمل، سهم این فعالیت در ایران کاهنده بوده است. به بیان آماری در سال ۱۳۷۰ سهم ارزش‌افزوده صنعت نساجی و پوشاک از تولید ناخالص داخلی معادل ۶٫۴۱ درصد بود، اما هم‌اکنون این صنعت با سهم ۰٫۸۲ درصد خارج از صنایع کلیدی ارزش‌زای کشور قرار گرفته و برنامه‌ریزی‌ها و هدف‌گذاری سیاست‌گذار نیز تاثیر شایانی در بهبود شرایط کسب‌وکار این صنعت نداشته است. این سهم روبه نزول نه تنها در توان رقابت این رشته فعالیت صنعتی با سایر صنایع - در سهم‌گیری از تولید ناخالص داخلی - مشهود است، بلکه در کاهش اندازه تقاضای آن در هر دو بازار داخلی و خارجی نیز قابل ردیابی می‌باشد. به منظور بررسی دلایل بروز چنین رخدادی در صنعت دیرپای نساجی ایران، کتاب حاضر به ترتیب فصول زیر به تحلیل موضوع پرداخته است.

در فصل اول، با تمایزبخشی میان دو مفهوم زنجیره تامین و زنجیره ارزش، تلاش شده است تا جایگاه هر یک از دو مفهوم فوق در تولیدات صنایع نساجی و پوشاک تبیین شود و سپس روش‌های توسعه زنجیره ارزش در این صنایع برحسب انواع حلقه‌های دخیل مشخص گردد. از این طریق الگوی ترکیبی زنجیره ارزش که مبنای اصلی تحلیل‌های به‌عمل آمده در اثر حاضر است، استخراج گردید. یافته‌های فصل اول و

الگوی ترکیبی استخراج شده در آن، مبنای خوبی را برای فصل دوم به دست داد تا از طریق آن به بررسی تجربیات کشورهای مختلف جهان در تعمیق زنجیره ارزش پرداخته شود. در انجام بررسی‌های مربوط به این فصل، ضمن پرداختن به تاریخچه تحول صنایع نساجی و پوشاک در کشورهای مطرح، به شناسایی انواع حمایت‌های بکار رفته به تفکیک هر یک از حلقه‌های دخیل در زنجیره ارزش صنایع نساجی در کنار مقررات تنظیمی اعمال شده پرداخته شد و در نهایت، درس‌های سیاستی با توجه به حلقه‌های اولویت‌دار و نوع مداخله حمایتی - تنظیمی بکار رفته استخراج گردید.

فصول سوم و چهارم به تحلیل اقتصادی - قانونی صنعت نساجی و پوشاک ایران اختصاص دارد. در تحلیل‌های این دو فصل، با رعایت الگوی مبنا در بررسی‌های فصول قبل، موضوعات چالش‌ای در عملکرد رقابتی صنایع نساجی و پوشاک کشور به صورت اولیه شناسایی گردید. در این بررسی‌ها نشان داده شد چگونه در صنایع نساجی و پوشاک کشور، تمامی حلقه‌های دخیل در زنجیره ارزش (قبل، حین و پس از تولید) با مشکل مواجه است. این شرایط نه تنها به واسطه شکاف فناوری و طراحی در این صنعت در مقایسه با رقبای جهانی، بلکه حتی به واسطه عدم توازن حاکم بر زنجیره تامین داخلی، تاب‌آوری در صنایع مذکور را تحت تأثیر قرار داده است. جالب توجه نیز آنکه، ابزارهای مداخله‌ای دولت نیز با وجود برخورداری از ماهیت حمایتی، به واسطه عدم رعایت توازن در توسعه حلقه‌های مختلف ارزش در این زنجیره و همچنین عدم ارتباط بخشی مهم از صنایع بالادستی و پائین‌دستی، زمینه‌ساز شرایطی شده است که در نتیجه آن عدم توازن حتی افزایش یافته است. بررسی‌های فوق در فصول پنجم و ششم، با رویکرد «تحلیل وضعیت عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر رقابت‌پذیری محصولات این بخش و استخراج نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید برحسب هر یک از حلقه‌های دخیل در زنجیره تکمیل گردید و بر مبنای خروجی‌های حاصله در این فصل و سایر بخش‌های مطالعه، فصل ششم نشان داد که صرف تمرکز بر تکمیل زنجیره تامین در صنایع نساجی و پوشاک وافی به مقصود نبوده و ضروری است ابزارهای مداخله‌ای بر کل زنجیره ارزش (که مفهومی به مراتب وسیع‌تر از زنجیره تامین است) متمرکز شود. ضمناً مشخص گردید که بدون گسترش محصولات صنایع نساجی در بخش‌های دانش‌بنیان، نمیتوان انتظار تحول در وضعیت فعلی (حتی به فرض توازن بخشی و تکمیل زنجیره تامین این صنایع) را داشت.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از زحمات ارزشمند سرکار خانم مهندس منیره امیرخانلو (معاون محترم پژوهشی مرکز پژوهش‌های اقتصادی) که نقش محوری در مدیریت امور مرتبط با انجام این مطالعه برعهده داشتند، همچنین از تیم پژوهش و سایر عوامل دخیل در تکمیل کتاب حاضر تقدیر و تشکر به عمل آورم.

محمد قاسمی

رئیس مرکز پژوهش‌های اقتصادی